

## Village and Development

Vol.28, No.109, Spring 2025

### Research Paper

#### Challenges Faced by Rural Women of Damavand County in Achieving Sustainable Livelihoods: Abarshiveh District

*M. Kerdari*<sup>1</sup> , *K. Roosta*<sup>2</sup> , *M.S. Sabouri*<sup>3</sup> 

Received: 30 June, 2024

Accepted: 18 March, 2025

#### Abstract

##### Introduction

Rural women in the Abarshiveh District of Damavand County encounter various challenges in attaining sustainable livelihoods. This study aims to identify these obstacles and propose strategies for empowering women in the local economy

##### Methodology

This study employs a mixed-methods approach, conducting 15 semi-structured interviews and distributing a structured questionnaire to 201 rural women. Data analysis was done using SPSS and factor analysis to identify key challenges.

##### Results and Discussion

Five main categories of challenges were identified: 1. Social and Cultural Barriers; 2. Financial Barriers; 3. Gender-Based Barriers; 4. Personal Barriers; and 5. Family Barriers. These barriers hinder women's economic independence and community development. Strategies to empower women include educational programs, credit funds, promoting women's roles in decision-making, creating networks and cooperatives, and improving transportation infrastructure.

---

1. PhD Candidate, Department of Agriculture, Bi.C., Islamic Azad Birjand University, Birjand, Iran. ([0439628113@iaau.ir](mailto:0439628113@iaau.ir))

2. Corresponding Author and Associate Professor in Department of Agriculture, Bi.C., Islamic Azad Birjand University, Birjand, Iran.

3. Associate Professor in Department of Agriculture, Ga.C., Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

DOI: 10.30490/rvt.2025.366242.1599

**Conclusion**

Addressing these challenges through targeted interventions can enhance rural women's livelihoods and contribute to overall community development.

**Keywords:** Obstacles, Rural Development, Rural Women, Sustainable Livelihoods.

## روستا و توسعه

سال ۲۸، شماره ۱۰۹، بهار ۱۴۰۴

## مقاله پژوهشی

# چالش‌های زنان در جامعه روستایی شهرستان دماوند در دستیابی به معیشت پایدار: دهستان ابرشیوه

مه‌دی کرداری<sup>۱</sup>، کوروش روستا<sup>۲</sup>، محمد صادق صبوری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

### چکیده

علی‌رغم نقش‌های حیاتی اقتصادی و اجتماعی که زنان روستایی در شهرستان دماوند ایفا می‌کنند، با موانع قابل توجهی مواجه هستند. بنابراین هدف اصلی این تحقیق، شناسایی چالش‌های معیشت پایدار زنان روستایی در این شهرستان است. این تحقیق با جامعه آماری ۹۷۶ نفر از زنان روستایی دهستان ابرشیوه در شهرستان دماوند انجام شد. با استفاده از جدول مورگان ۲۰۱ نفر از زنان بر طبق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای برای شرکت در تحقیق انتخاب شدند. داده‌ها به روش ترکیبی (کمی و کیفی) جمع‌آوری شدند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ۱۵ نفر از زنان روستایی در بخش کیفی انجام شد و در بخش کمی، پرسش‌نامه‌ای بر اساس تحلیل محتوای داده‌های کیفی تنظیم شد. روایی پرسش‌نامه‌ها توسط صاحب‌نظران تأیید و پایایی آن با آزمون مقدماتی و با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۷) تأیید شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که محدودیت‌های معیشت پایدار زنان روستایی در پنج عامل (موانع اجتماعی- فرهنگی، مالی، جنسیتی، شخصیتی و خانوادگی) خلاصه می‌شود که در مجموع ۷۱ درصد واریانس کل را تبیین کردند. مهمترین عامل، موانع اجتماعی- فرهنگی بود

۱- دانشجوی دکتری، گروه کشاورزی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

(0439628113@iau.ir)

۲- نویسنده مسئول و دانشیار گروه کشاورزی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

۳- دانشیار گروه کشاورزی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

که شامل متغیرهایی مانند بافت مردسالاری، تعصبات خانوادگی و ناامنی اجتماعی بود. برای بهبود وضعیت زنان روستایی، اجرای برنامه‌های آموزشی، سازمان‌دهی زنان روستایی در قالب گروه‌ها و شبکه‌ها، ارائه اعتبارات خرد و وام‌های کوچک و بهبود دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی و تشویق مشارکت آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری پیشنهاد شده است.

**کلید واژه‌ها:** توسعه روستایی، زنان روستایی، معیشت پایدار، موانع.

### مقدمه

امروزه یکی از مهمترین دیدگاه‌های توسعه روستایی، حرکت به سوی پایداری با تأکید بر دیدگاه جنسیتی و مشارکتی است (Shahroudi et al., 2006). زنان روستایی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه روستایی دارند؛ به‌طوری‌که از جنبه‌های اقتصادی، زنان روستایی تولیدکننده بیش از نیمی از تمام مواد غذایی هستند که در مناطق روستایی تولید می‌شود (Quisumbing et al., 2023). زنان تقریباً ۴۳ درصد از نیروی کار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در نظام‌های غذایی دارند. با این حال، این گروه در بسیاری از طرح‌های توسعه پایدار، کمتر مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان «شرکای نامرئی» قلمداد می‌شوند (FAO, 2023). مطالعات نشان می‌دهد که زنان نقش مهمی در توسعه اقتصادی و معیشت پایدار در مناطق روستایی دارند و دسترسی به زمین‌های کشاورزی و منابع تولیدی برای آنان از اهمیت بالایی برخوردار است (Azumah et al., 2023). نقش زنان روستایی فراتر از مسئولیت‌های داخل خانه است. آن‌ها در فعالیتهای مختلف درآمدزا و بازارهای محلی شرکت می‌کنند و به توسعه اقتصادی خانوار کمک می‌کنند. زنان روستایی با مدیریت منابع طبیعی و بکارگیری روش‌های کشاورزی پایدار، به تضمین زنده ماندن درازمدت محیط زیست نیز کمک می‌کنند. آن‌ها با مشارکت در این فعالیتهای نه تنها از خانواده‌هایشان حمایت می‌کنند، بلکه تاب‌آوری و پایداری معیشت روستایی را نیز تقویت می‌کنند (Apusigah & Bamora, 2021).

موانع اجتماعی - فرهنگی مانند هنجارهای مردسالارانه و تعصبات خانوادگی، اغلب دسترسی آن‌ها را به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و فرصت‌های اقتصادی محدود می‌کند. محدودیت‌های مالی و عدم دسترسی به اعتبار باعث صرف انرژی آن‌ها جهت مبارزه برای کسب حداقل‌ها می‌شود. علاوه بر این، تبعیض مبتنی بر جنسیت و ناامنی اجتماعی می‌تواند مانع مشارکت آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری و نقش‌های رهبری در جامعه شود (Fertő & Bojnec, 2024; FAO, IFAD, UN).

(Women & WFP, 2023). وجود این موانع بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای توسعه روستایی با مشکل مواجه می‌سازد (Hordofa & Badore, 2024). لذا توانمندسازی زنان روستایی برای دستیابی به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی ضروری است (Fertó & Bojnec, 2024; FAO, IFAD, UN Women & WFP, 2023).

کشت سبزیجات سالم خانگی، پرورش زنبور عسل، پرورش میش و بره، پرورش بوقلمون، پرورش مرغ بومی، بسته‌بندی و بوجاری حبوبات، تولید ورمی کمپوست، کشت گیاهان دارویی، تهیه کمپوست قارچ‌های خوراکی و غیره ازجمله طرح‌های اشتغال‌زایی برای زنان روستایی شهرستان دماوند است (Agricultural Jihad Management of Damavand County, 2020). زنان روستایی آن‌چنان‌که باید نتوانسته‌اند با استفاده از این طرح‌ها در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به شاخص‌های معیشت پایدار به‌صورت چشمگیر فعالیت نمایند (Agricultural Jihad Management of Damavand County, 2020). پرسش اصلی اینجاست که موانع رسیدن آن‌ها برای رسیدن به معیشت پایدار چیست؟ بنابراین هدف این تحقیق شناسایی موانع دستیابی زنان روستایی به معیشت پایدار در این شهرستان است که منجر به ارائه راهبردهای مؤثر برای توانمندسازی آن‌ها می‌شود. این پژوهش با تمرکز بر چالش‌های معیشت پایدار زنان روستایی، به دنبال ارائه بینشی در مورد چگونگی ارتقای مشارکت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی است و از این طریق به توسعه پایدار منطقه روستایی مورد مطالعه کمک می‌کند.

زنان با وجود مشارکت در فعالیت‌های روزانه همواره به‌عنوان اقشاری آسیب‌پذیر در دامی از محرومیت شامل بی‌قدرتی و فقر گرفتار هستند و از بسیاری از احتیاجات ضروری اقتصادی و اجتماعی محروم هستند. توانمندسازی زنان از مؤلفه‌های اساسی برنامه‌های توسعه و رسیدن به معیشت پایدار تلقی می‌شود (Brocklesby & Fisher, 2003; FAO, IFAD, UN Women and WFP, 2023). رهیافت و یا استراتژی‌های معیشت پایدار بر روی مردم و امرار معاش آن‌ها متمرکز شده است. این رهیافت دارایی‌های افراد (مشهود و نامشهود)، توانایی آن‌ها نسبت به تنش‌ها (زمینه‌های آسیب‌پذیری) و سیاست‌ها و سازمان‌ها را به گونه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد که اولویت‌های افراد فقیر (به جای ثروتمندان و نخبگان) را نمایان سازد (Vosanka, 2010). معیشت پایدار به‌عنوان یک مفهوم یکپارچه از یک الگو و چارچوب جدید برای تفکر توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بهره‌می‌برد (Tesfaye, 2011).

معیشت پایدار به ابزاری اطلاق می‌شود که افراد و جوامع از طریق آن، ملزومات زندگی را به گونه‌ای تأمین می‌کنند که در برابر شوک‌ها و استرس‌های بیرونی مقاوم باشند و درعین حال توانایی‌ها و دارایی‌های خود را برای نسل‌های آینده حفظ یا تقویت کنند. این مفهوم نه تنها جنبه‌های اقتصادی مانند درآمد و اشتغال، بلکه ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی از جمله دسترسی به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و منابع طبیعی را نیز در بر می‌گیرد. معیشت پایدار با شاخص‌هایی از قبیل توانایی در سازگاری با شرایط متغیر، کاهش آسیب‌پذیری و ارتقای رفاه طولانی‌مدت مشخص می‌شود. این رویکرد بر اهمیت استراتژی‌های توسعه مشارکتی و فراگیر تأکید می‌کند که افراد را قادر می‌سازد تا زندگی خود را کنترل کنند و به پایداری جوامع خود نیز کمک کنند (Li et al., 2023; Serrat, 2017).

به‌طور کلی رهیافت معیشت پایدار دارای پنج عنصر اصلی به شرح زیر است: ۱- زمینه‌های آسیب‌پذیری که مردم را در معرض ریسک قرار می‌دهد (مانند شوک‌ها و تنش‌های ناگهانی، تمایلات، وقایع و تغییرات فصلی) ۲- رهیافت معیشت پایدار، اساس و پایه‌ای برای درک روابط بین جوامع فقیر و نیروهای بیرونی اجتماعی-اقتصادی، محیطی و سازمانی فراهم می‌سازد. قسمت‌های مهم و اصلی این رهیافت، دارایی‌های (سرمایه) خانوار است که شامل سرمایه طبیعی (منابع طبیعی مانند زمین، آب و غیره)، سرمایه مالی (پس‌انداز، درآمد، اعتبار و وام)، سرمایه فیزیکی (زیرساخت‌ها و نهاده‌ها، حمل و نقل، انرژی، سرپناه و ارتباطات)، سرمایه انسانی (مهارت، دانش و نیروی کار) و سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی و روابط بر اساس اعتماد) است. این پنج دارایی یک پنج ضلعی سرمایه را شکل می‌دهند. ۳- این رهیافت شامل استراتژی‌های معیشتی نیز است یعنی فعالیت‌هایی که مردم به‌منظور ایجاد یک زندگی و پیامدهای مثبت معیشتی انجام می‌دهند. ۴- سیاست‌ها، سازمان‌ها و فرایندها نیز در این رهیافت به‌منظور شکل دادن دسترسی مردم به دارایی‌ها و فعالیت‌های معیشتی لحاظ می‌شود. ۵- نتایج یا پیامدهای معیشتی دستاوردهایی هستند که در نتیجه دنبال نمودن استراتژی‌های معیشتی (درآمد بیشتر و افزایش رفاه) کسب می‌شود (Li et al., 2023; Kumar et al., 2023; Serrat, 2017).

تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت گرفته است که نشان دهنده اهمیت موضوع است. آزوماه و همکاران (Azumah et al., 2022) در شمال غنا در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که دسترسی به زمین‌های کشاورزی برای زنان روستایی یک چالش بزرگ بود. این مطالعه نشان داد که به دلیل نظام ارثی پدرسالارانه، مردان دسترسی آسان‌تری به زمین‌های کشاورزی داشتند و زنان در

این زمینه به حاشیه رانده شدند. این مسئله تأثیر منفی بر تولید کشاورزی و پایداری معیشت زنان داشت. در این تحقیق پیشنهاد شد که باید سیاست‌هایی برای تضمین برابری جنسیتی در دسترسی به زمین‌های کشاورزی اجرا شود. لوفتو الحسنائین و همکاران (Luftu-ul-Hasnaen et al., 2023) در تحقیقی دیگر در مورد توانمندسازی زنان روستایی از طریق توسعه مهارت‌ها نشان دادند که زنان با چالش‌های متعددی مانند نبود دسترسی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فقدان حمایت‌های مالی و محدودیت‌های فرهنگی مواجه هستند. این مطالعه تأکید داشت که توسعه مهارت‌های زنان توانسته به بهبود معیشت پایدار آنان کمک کند و نقش مهمی در توانمندسازی اقتصادی آنان ایفا نماید. همچنین تحقیقی در سازمان ملل متحد نشان داد که زنان روستایی با دسترسی به فناوری‌های صرفه‌جویی در کار، دارایی‌های تولیدی و آموزش‌های رهبری توانسته‌اند بهره‌وری کشاورزی خود را افزایش داده و درآمد پایداری کسب کنند (FAO, IFAD, UN Women and WFP, 2023). دورا و همکاران (Duru et al., 2022) در تحقیقی در نیجریه نشان دادند که تغییر اقلیم تأثیر منفی زیادی بر معیشت زنان روستایی داشته است. این مطالعه نشان داد که زنان روستایی به دلیل نبود زیرساخت‌های اساسی، سرمایه کم و استفاده از روش‌های کشاورزی ابتدایی به شدت تحت تأثیر بلایای ناشی از تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، برای بهبود مقاومت و معیشت زنان روستایی در برابر تغییرات اقلیمی، نیاز به اقدامات پیشگیرانه و جمعی است.

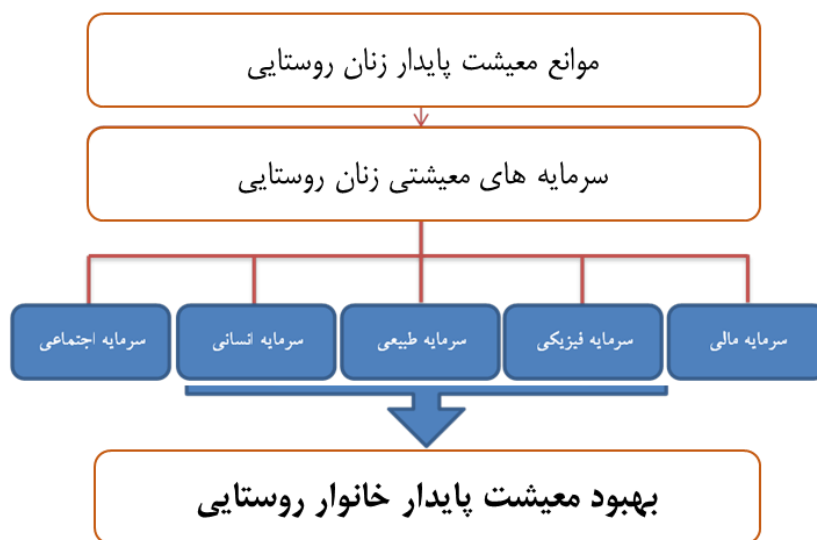
فرتو و بوجنک (Fertó & Bojnec, 2024) در تحقیق در اسلوانی نشان دادند که زنان در مزارع کشاورزی این کشور در پذیرش و اجرای طرح‌های زیست‌محیطی و اقلیمی (AECS) نقش مهمی دارند. این مطالعه نشان داد که با وجود تفاوت‌های جنسیتی در دسترسی به منابع کشاورزی، زنان در مزارع اسلوانی به‌طور فعال در پذیرش این طرح‌ها مشارکت داشته و یارانه دریافت کرده‌اند. این تحقیق تأکید داشت که ترویج بیشتر مشارکت و توانمندسازی زنان در زمینه‌های فناوری سبز و کارآفرینی سبز توانسته به توسعه پایدار کشاورزی کمک کند. مطالعه سازمان ملل در حوزه زنان (UN Women, 2022) در خصوص توانمندسازی زنان روستایی در شمال نیجریه نشان داد که نقش‌های جنسیتی سنتی، دسترسی محدود به آموزش و هنجارهای مردسالارانه، مشارکت زنان را در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی محدود نموده است. این تحقیق بر نیاز به مداخلات سیاسی برای رفع این محدودیت‌های فرهنگی و بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی تأکید نموده است. در تحقیقی دیگر توسط سمکوند و همکاران (Semkunde et al., 2021) بر نقش گروه‌های زنان در غلبه بر محدودیت‌های مرتبط با جنسیت در کارآفرینی روستایی در کشورهای کم‌درآمد اشاره شد. این

تحقیق نشان داد که چگونه زمینه‌های مردسالارانه و دسترسی محدود به منابع، مانع فعالیت‌های کارآفرینی زنان شده است. این مطالعه نشان داد که تشکیل گروه‌های زنان توانسته راهبرد مؤثری برای عبور از این موانع و ارتقای توانمندی اقتصادی زنان روستایی باشد.

یعقوبی فرانی و موحدی (Yaghoobi Farani & Movahedi, 2012) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که شرایط و ویژگی‌های فردی، شخصیتی و رفتاری زنان روستایی، شرایط و ویژگی‌های خانوادگی، دانش و مهارت زنان روستایی (آموزش، تجربه و ارتباطات)، شرایط فرهنگی و اجتماعی (جامعه و روستا)، دسترسی به امکانات و خدمات مورد نیاز زنان روستایی (در فرایند راه‌اندازی، اداره و توسعه کسب و کار)، عوامل قانونی و حقوقی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل نهادی و سازمانی، شرایط جغرافیایی و عوامل محیطی (محیط روستایی) به‌عنوان محدودیت‌های زنان روستایی بودند. نوروزی (Norouzi, 2013) در مطالعه‌ای در خصوص سازه‌های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی به این نتیجه رسید که میزان ارتباط کشاورزان با کارشناسان و مروجان کشاورزی، میزان دسترسی به امکانات مناسب حمل و نقل و روابط اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری با پایداری معیشت داشتند. صرامی فروشانی (Sarami Foroushani, 2012) چنین اظهار داشت که دوره‌های آموزشی بیشترین تأثیر را بر روی ایجاد اشتغال، ایجاد نگرش مثبت مردان به توانایی‌های زنان و درآمد برای خانواده دارد. همچنین سرمایه اجتماعی، توانمندی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، درآمد، پس‌انداز، سیاست‌های حمایتی، نقش مردان و سطح تحصیلات ۶۰ درصد از تغییرات معیشت پایدار را تبیین می‌نماید. سانگتا (Sangeetha, 2013) در تحقیقی به این نتیجه رسید که تسلط مردان بر جامعه، مشکلات مالی، وجود بازارهای ریسک محور، محدودیت در رفت و آمد، هم‌پوشانی مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی، فقدان آموزش و فناوری، فقدان اعتمادبه‌نفس و نگرش خوش‌بینانه در میان زنان، فقدان مهارت‌های مدیریتی و فقدان حمایت خانوادگی و فامیلی از مشکلات پیش روی زنان بودند. سندز (Sands, 2012) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تغییر معیشت زنان اوگاندا» به این نتیجه رسید که فقدان دسترسی به سرمایه مالی، تبعیض جنسیتی، روابط و تعهدات خانوادگی موانع اصلی پیش روی زنان کارآفرین بودند. کومبهار (Kumbhar, 2013) فقدان تعادل بین تعهدات خانوادگی و شغلی، میزان کم آزادی مالی، فقدان مالکیت اموال توسط زنان، عدم آگاهی در مورد ظرفیت‌ها، فقدان اعتمادبه‌نفس و فقدان آموزش حرفه‌ای را از مشکلات اصلی زنان روستایی در هند مطرح کرد.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که زنان روستایی نقش‌های اقتصادی و اجتماعی حیاتی ایفا می‌کنند؛ اما آن‌ها با موانع قابل توجهی روبرو هستند که مانع از توان بالقوه آن‌ها می‌شود. با پرداختن به چالش‌های پیش روی معیشت پایدار زنان روستایی و ارائه راهکارهای حمایتی برای از بین بردن یا کاهش این چالش‌ها، می‌توان اطمینان حاصل کرد که زنان روستایی نه تنها قادر به بهبود زندگی هستند، بلکه توانایی تقویت و توسعه معیشت پایدار خانوار روستایی و دستیابی به پایداری اجتماعی و اقتصادی در جوامع روستایی را دارند.

از سویی دیگر، بررسی تحقیقات انجام شده تاکنون حاکی از آن است که تحقیقی در خصوص چالش‌های معیشت پایدار زنان روستایی در شهرستان دماوند صورت نگرفته است. بنابراین مقاله حاضر بر آن است تا محدودیت‌ها و موانع معیشت پایدار زنان روستایی در شهرستان دماوند را شناسایی کند و راهکارها و پیشنهادهای کاربردی را برای کاهش یا رفع این چالش‌ها و بهبود وضعیت موجود زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه ارائه نماید (شکل ۱).



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

## روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش ترکیبی (طرح اکتشافی متوالی)<sup>۱</sup> استفاده شد که شامل آمیختگی روش تحقیق کمی و کیفی است. این رویکرد به محققان این امکان را می‌دهد تا از مزایای هر دو روش بهره‌مند شوند و نتایج جامع‌تری را به دست آورند (Johnson et al., 2007). مصاحبه‌های نیمه-ساختارمند با ۱۵ نفر از زنان روستایی در مرحله نخست (فاز کیفی) انجام شد. این مصاحبه‌ها به‌منظور درک عمیق‌تر وضعیت زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه و استخراج اولیه داده‌ها انجام شد. در این مرحله، از روش تحلیل مضمون (تحلیل محتوا) برای پالایش و استخراج مفاهیم کلیدی از متن مصاحبه‌ها استفاده شد. مطالب به‌صورت اکتشافی مرور و بازخوانی شدند تا مفاهیم مستتر از طریق کدگذاری استخراج شوند.

اگرچه نرم‌افزارهایی مانند NVivo یا ATLAS.ti می‌توانند تجزیه و تحلیل محتوا را با سازمان‌دهی و مدیریت حجم زیادی از داده‌های کیفی تسهیل کنند (Niedbalski & Ślęzak, 2016)؛ اما در تحقیق حاضر از روش دستی استفاده شد که امکان تجزیه و تحلیل عمیق‌تر را فراهم نمود. این فرایند شامل چندین بار خواندن متن مصاحبه‌ها برای شناسایی مضامین و الگوهای تکراری بود و کدگذاری به‌صورت نظام‌مند برای دسته‌بندی این مضامین انجام شد. مضامین استخراجی برای طراحی پرسش‌نامه در فاز کمی استفاده شد.

کلیه زنان روستایی سه روستای سرپندان، آیینهورزان و سیدآباد در فاز کمی تحقیق به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند که تعداد زنان روستایی در این روستاها ۹۷۶ نفر بود. روستاهای مذکور برای فاز کمی این تحقیق انتخاب شدند تا اطمینان حاصل شود که نمونه‌ها، نماینده‌ای از زنان روستایی در جامعه مورد مطالعه هستند. این روستاها ترکیبی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تنوع جغرافیایی در منطقه مورد مطالعه و پویایی‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت را ارائه می‌دهند که برای تحلیل جامع بسیار مهم است. انتخاب آن‌ها با در نظر گرفتن جنبه‌های عملی مانند دسترسی برای جمع‌آوری داده‌ها و ارتباط با اهداف تحقیق نیز صورت گرفته است.

تعداد ۱۸۱ نفر از زنان روستایی از میان جامعه آماری مذکور، طبق جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به‌منظور افزایش دقت تحقیق، ۱۰ درصد به حجم نمونه برگرفته از جدول کرجسی و مورگان اضافه شد و بدین ترتیب حجم نمونه

به ۲۰۱ نفر رسید. برای گردآوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد.

به‌منظور گردآوری داده‌های کمی از پرسش‌نامه حاصل از تحلیل داده‌های کیفی در مرحله نخست تحقیق استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۱۸ گویه بود که در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) تنظیم شد تا موانع معیشت پایدار زنان روستایی را مورد سنجش قرار دهد. برای تعیین روایی صوری پرسش‌نامه، از نقطه‌نظرهای اساتید، محققان و کارشناسان بهره گرفته شد. پس از کسب نظرهای این افراد، اصلاحات لازم اعمال شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۰ نسخه از آن در جامعه‌ای همگن<sup>۱</sup> با جامعه آماری (روستای جابان) تکمیل شد. سپس ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که مقدار آن ۰/۸۷ به دست آمد. این مقدار نشان دهنده پایایی مناسب ابزار تحقیق است و اطمینان می‌دهد که پرسش‌نامه به‌طور قابل اعتمادی متغیرهای مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند.

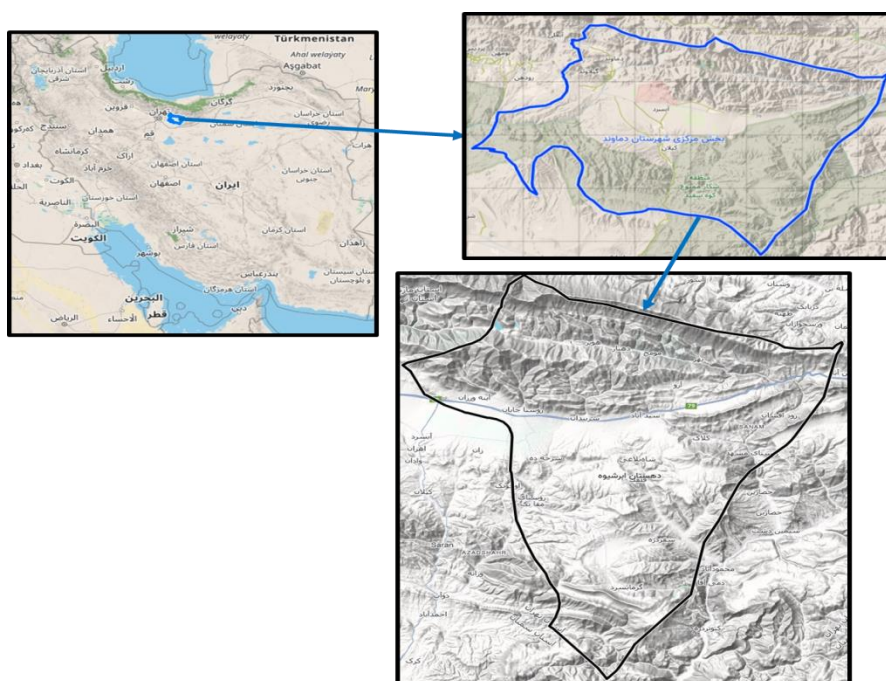
به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد تا تصویری کلی از داده‌ها به دست آید. همچنین از روش تحلیل عاملی اکتشافی به‌منظور تحلیل و خلاصه‌سازی داده‌ها بهره گرفته شد. این روش به محققان امکان می‌دهد تا ساختارهای پنهان در داده‌ها را شناسایی کرده و روابط بین متغیرها را بهتر درک کنند (Yong & Pearce, 2013).

#### منطقه مورد مطالعه

شهرستان دماوند با مساحت تقریبی ۲/۴۶۴۵ کیلومتر مربع در جهت شرقی-غربی امتداد دارد. میانگین ارتفاع این شهرستان از سطح دریا حدود ۱۸۰۰ متر است. شهرستان دماوند بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ حدوداً ۹۸۰۵۳ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۷۲۳۹۸ نفر در جامعه شهری و ۲۵۶۵۵ نفر در جامعه روستایی ساکن هستند. بنابر آخرین تقسیمات کشوری، این شهرستان به دو بخش به نام‌های بخش مرکزی و بخش رودهن به مرکزیت شهر دماوند تقسیم می‌شود. این دو

۱. منظور از «همگن» جامعه‌ای است که نماینده‌ای از جامعه آماری اصلی باشد تا نتایج به دست آمده از سنجش پایایی پرسش‌نامه قابل تعمیم به جامعه آماری اصلی باشد. این کار به محققان اطمینان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری (پرسش‌نامه) در شرایط مشابه با جامعه آماری اصلی به‌طور قابل اعتمادی عمل می‌کند و نتایج به دست آمده دقیق و معتبر هستند. بدین منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها در روستاهای اطراف جامعه اصلی صورت گرفت.

بخش در مجموع شامل ۵ دهستان، ۵ شهر و ۱۱۱ روستا هستند. بخش مرکزی شهرستان دماوند شامل دهستان ابرشیوه، دهستان تاررود و دهستان جمع‌آبرود و بخش رودهن شامل دو دهستان آبدلی و مهرآبا هستند (شکل ۲). از نظر تقسیمات آب‌وهوایی دارای اقلیم نیمه استپی سرد در بخش میانی و در ارتفاعات، دارای اقلیم کوهستانی است که عمده نزولات آن به صورت برف است که در ارتفاعات ۲۸۰۰-۳۰۰۰ متر به بالا این اقلیم را می‌توان مشاهده نمود.



شکل ۲. نقشه بخش مرکزی شهرستان دماوند و دهستان ابرشیوه

## نتایج و بحث

نحوه ارائه مطالب این بخش به این صورت است که پس از گزارش یافته‌های کمی به دست آمده از تحلیل عاملی، داده‌های کیفی مرتبط به دست آمده از مصاحبه‌های عمیق برای هریک از عوامل مشخص شده ارائه می‌شود. این تجزیه و تحلیل کمی و کیفی درک جامعی از تفاوت‌های زمینه‌ای و بینش‌های موضوعی ارائه می‌دهد که منجر به درک بهتر نتایج تحقیق می‌شود.

### ویژگی‌های جمعیت شناختی

بر اساس توزیع فراوانی پاسخگویان، میانگین سن زنان روستایی مورد مطالعه ۳۶ سال بود که بیشتر آن‌ها (۹۴ نفر یا ۵۳/۱ درصد) در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال قرار داشتند. میانگین تعداد افراد خانوار ۴/۱۲ (حدود ۴ نفر) بود (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن و تعداد افراد خانوار (n=۲۰۱)

| متغیر                    | سطوح<br>متغیر | فراوانی<br>(نفر) | درصد<br>فراوانی | درصد<br>معتبر | درصد<br>تجمعی | میانگین | انحراف معیار |
|--------------------------|---------------|------------------|-----------------|---------------|---------------|---------|--------------|
| سن (سال)                 | ۲۰-۲۹         | ۳۶               | ۱۷/۹            | ۲۰/۳          | ۲۰/۳          | ۳۵/۸۲   | ۷/۶۷         |
|                          | ۳۰-۳۹         | ۹۴               | ۴۶/۸            | ۵۳/۱          | ۷۳/۴          |         |              |
|                          | ۴۰-۴۹         | ۳۷               | ۱۸/۴            | ۲۰/۹          | ۹۴/۴          |         |              |
|                          | ۵۰-۵۹         | ۱۰               | ۵               | ۵/۶           | ۱۰۰           |         |              |
|                          | بی پاسخ       | ۲۴               | ۱۱/۹            |               |               |         |              |
| تعداد افراد خانوار (نفر) | ۱-۳           | ۵۹               | ۲۹/۹            | ۳۳/۳          | ۳۳/۳          | ۴/۱۲    | ۱/۶۲         |
|                          | ۴-۶           | ۱۰۸              | ۵۳/۷            | ۶۱            | ۹۴/۴          |         |              |
|                          | ۷-۹           | ۱۰               | ۵               | ۵/۶           | ۱۰۰           |         |              |
|                          | بی پاسخ       | ۲۴               | ۱۱/۹            |               |               |         |              |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### موانع معیشت پایدار زنان روستایی

میانگین، انحراف معیار، ضریب پراکندگی و رتبه‌بندی گویه‌های مربوط به موانع معیشت پایدار زنان روستایی در جدول (۲) نشان داده شده است. میانگین نیمی از گویه‌ها بین ۴ و ۵ قرار دارند که گویای سطح «زیاد تا خیلی زیاد» است. نتایج حاصل از اولویت‌بندی گویه‌ها حاکی از آن است که گویه‌های «ناامنی اجتماعی» و «دسترسی محدود به منابع مانند اعتبارات و تسهیلات» با میانگین ۴/۳۰ جزء اولویت‌های نخست هستند. گویه‌های «وابستگی به مردان خانواده» و «حضور کم زنان در نهادهای روستایی» به ترتیب با میانگین ۴/۰۶ و ۳/۶۱ اولویت‌های آخر را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. وضعیت موانع معیشت پایدار زنان روستایی (n=۲۰۱)

| رتبه | ضریب تغییرات | انحراف معیار | میانگین رتبه‌ای* | موانع معیشت پایدار زنان روستایی                                           |
|------|--------------|--------------|------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | ٪۱۶/۹۷       | ۰/۷۳         | ۴/۳۰             | - ناامنی اجتماعی                                                          |
| ۲    | ٪۱۷/۹۰       | ۰/۷۷         | ۴/۳۰             | - دسترسی محدود به منابع مانند اعتبارات و تسهیلات                          |
| ۳    | ٪۱۸/۵۹       | ۰/۷۷         | ۴/۱۴             | - بی‌سوادی و یا کم‌سوادی                                                  |
| ۴    | ٪۱۹/۰۸       | ۰/۷۹         | ۴/۱۴             | - حمایت ضعیف دولت از زنان روستایی در طرح‌ها                               |
| ۵    | ٪۱۹/۱۶       | ۰/۷۸         | ۴/۰۷             | - کم‌رنگ بودن مشارکت زنان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به روستا |
| ۶    | ٪۱۹/۱۷       | ۰/۷۴         | ۳/۸۶             | - اطلاعات کم در مورد چگونگی ورود زنان به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی     |
| ۷    | ٪۱۹/۲۶       | ۰/۷۳         | ۳/۷۹             | - ضعف در ارتباط‌گیری با مسئولان مرد                                       |
| ۸    | ٪۱۹/۴۸       | ۰/۷۵         | ۳/۸۵             | - محدودیت در رفت و آمد درون شهری و برون شهری                              |
| ۹    | ٪۱۹/۷۵       | ۰/۸۱         | ۴/۱۰             | - جدی نگرفتن زنان از سوی جامعه روستایی                                    |
| ۱۰   | ٪۲۰/۱۴       | ۰/۸۶         | ۴/۲۷             | - جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی به سمت مردان روستا                           |
| ۱۱   | ٪۲۰/۳۵       | ۰/۸۰         | ۳/۹۳             | - عدم اعتماد به نفس و خودباوری ضعیف                                       |
| ۱۲   | ٪۲۰/۵۴       | ۰/۸۳         | ۴/۰۴             | - بافت مردسالاری و تعصبات خانوادگی                                        |
| ۱۳   | ٪۲۰/۹۳       | ۰/۸۱         | ۳/۸۷             | - عدم رضایت همسر برای اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی                         |
| ۱۴   | ٪۲۱/۲۷       | ۰/۸۰         | ۳/۷۶             | - ضعف در چانه‌زنی با مسئولان در مقایسه با مردان                           |
| ۱۵   | ٪۲۱/۳۵       | ۰/۸۵         | ۳/۹۸             | - نارضایتی پدران یا همسران برای فعالیت‌های بیرون از خانه زنان و دختران    |
| ۱۶   | ٪۲۱/۵۷       | ۰/۸۵         | ۳/۹۴             | - نابرابری زنان و مردان در روستا                                          |
| ۱۷   | ٪۲۱/۹۲       | ۰/۸۹         | ۴/۰۶             | - وابستگی به مردان خانواده                                                |
| ۱۸   | ٪۲۲/۷۱       | ۰/۸۲         | ۳/۶۱             | - حضور کم زنان در نهادهای روستایی                                         |

مأخذ: یافته‌های پژوهش \*؛ خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵

در مرحله بعدی از تحلیل عاملی برای تلخیص داده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها در قالب عوامل مختلف استفاده شد. در این تحقیق مقدار آزمون KMO<sup>۱</sup> برابر با ۰/۸۰۳ به دست آمد و آزمون بارتلت<sup>۲</sup> نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است که نشان دهنده همبستگی داده‌ها و مناسب بودن آن‌ها برای تحلیل عاملی است (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌های مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی

| شاخص KMO      | ۰/۸۰۳          |
|---------------|----------------|
| مجذور خی      | ۶۱۳۵/۹۲۰       |
| آزمون بارتلت  | درجه آزادی ۹۰۳ |
| سطح معنی‌داری | ۰/۰۰۰          |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. Kaiser-Meyer-Olkin
2. Bartlett Test

از چرخش واریماکس<sup>۱</sup> برای دستیابی به عامل‌های معنی‌دار استفاده شد و مبنای معنی‌داری بار عاملی  $\pm 0/50$  تعیین شد. همچنین تنها عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بیشتر از یک باشد به عنوان عامل‌های معنی‌دار در نظر گرفته می‌شود. چرخش عامل نشان داد که ۵ عامل با مجموع واریانس  $71/980$  درصد به عنوان اصلی‌ترین موانع و چالش‌های معیشت پایدار زنان روستایی محسوب می‌شوند. تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه هریک از آن‌ها، درصد واریانس هریک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس عوامل در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

| شماره عامل | نام عامل              | مقدار ویژه | درصد مقدار ویژه | درصد واریانس تجمعی |
|------------|-----------------------|------------|-----------------|--------------------|
| ۱          | موانع اجتماعی- فرهنگی | ۶/۵۳۲      | ۲۱/۷۷۲          | ۲۱/۷۷۲             |
| ۲          | موانع مالی            | ۴/۹۲۵      | ۱۶/۴۱۶          | ۳۸/۱۸۸             |
| ۳          | موانع جنسیتی          | ۳/۸۷۷      | ۱۲/۹۳۴          | ۵۱/۱۱۲             |
| ۴          | موانع شخصیتی          | ۳/۶۵۲      | ۱۲/۱۷۲          | ۶۳/۲۸۴             |
| ۵          | موانع خانوادگی        | ۲/۶۰۹      | ۸/۶۹۵           | ۷۱/۹۸۰             |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

موانع «اجتماعی- فرهنگی» به عنوان نخستین موانع معیشتی زنان روستایی شناسایی شده است که  $21/772$  درصد از واریانس کل چالش‌های معیشت پایدار زنان روستایی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر موانع اجتماعی و فرهنگی به تنهایی حدود ۲۲ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده‌اند. گزاره‌های این عامل شامل ریشه در ساختارهای سنتی و مردسالارانه، ناامنی‌های اجتماعی، عدم حمایت همسر برای اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی، بی‌سوادی یا سطح پایین سواد، و بی‌توجهی جامعه به تلاش‌های کارآفرینانه زنان هستند (جدول ۴ و ۵). مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این خصوص چنین بیان می‌کند "از کجا شروع کنم سخت است، می‌دانید؟ از ما انتظار می‌رود در خانه بمانیم، آشپزی کنیم، تمیز کنیم و از بچه‌ها مراقبت کنیم. حتی اگر بخواهیم کار کنیم یا درس بخوانیم، حمایت زیادی از جانب شوهرمان وجود ندارد. مثل این است که ما می‌خواهیم بال‌هایمان را باز کنیم، اما جامعه و خانواده مدام آن‌ها را قیچی می‌کند. دیگر نای جنگیدن ندارم، برای اینکه دعوا نشود هرچه همسرم بگوید مجبورم بپذیرم".

دومین مانع معیشتی پیش روی زنان روستایی، «موانع مالی» است که  $16/416$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. دسترسی محدود به منابع مانند اعتبارات و تسهیلات، حمایت ضعیف

1. Varimax

دولت از زنان روستایی در طرح‌ها و اطلاعات کم در مورد چگونگی ورود زنان به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در این عامل قرار گرفته‌اند (جدول ۴ و ۵). یافته مذکور توسط نتایج حاصل از داده‌های کیفی تأیید می‌شود؛ آن‌چنان که یکی از زنان روستایی در مصاحبه خود چنین می‌گوید: "پول همیشه یک مسئله بزرگ است. ما به وام یا اعتبار دسترسی نداریم، زیرا زمین یا ملکی نداریم که به‌عنوان وثیقه از آن استفاده کنیم. وقتی یک زن بخواهد کسب و کاری را راه‌اندازی کند، مشکلات مالی برایش دوبرابر است، چون به‌عنوان زن هیچ‌کس شما را جدی نمی‌گیرد و در نتیجه ایده‌هایت فقط در حد یک رؤیا می‌ماند که دائماً دور از دسترس می‌شود". (مصاحبه شونده‌های شماره ۱۰ و ۱)

همان طور که در جدول (۴ و ۵) نشان داده شده است، سومین عامل مربوط به «موانع جنسیتی» است که ۱۲/۹۲۴ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این موانع عبارتند از نابرابری زنان و مردان در روستا و حضور کم زنان در نهادهای روستایی، جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی به سمت مردان روستا و کم‌رنگ بودن مشارکت زنان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به روستا. مصاحبه‌شونده‌های شماره ۴ و ۱ در این خصوص می‌گویند: "زن بودن اینجا آسان نیست، انگار چون زن هستی مجرم محسوب می‌شوی. قبول دارید؟ حتی اگر بهترین ایده‌ها را هم داشته باشید، تنها به دلیل اینکه زن هستی نادیده گرفته می‌شوید. جامعه از بالا تا پایین مردسالاری است و برابری بین مرد و زن فقط در حد حرف است".

طبق جدول (۴) و (۵) چهارمین مانع معیشتی زنان روستایی، «موانع شخصیتی» است و مجموعاً ۱۲/۱۷۲ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. گزاره‌های این عامل شامل عدم اعتماد به نفس و خودباوری ضعیف، ضعف در ارتباط‌گیری با مسئولان مرد، ضعف در چانه‌زنی در مقایسه با مردان و وابستگی به مردان خانواده است. یافته مذکور توسط نتایج حاصل از داده‌های کیفی تأیید می‌شود؛ آن‌چنان که یکی از زنان روستایی در مصاحبه خود چنین می‌گوید: "خانوم‌های روستا پشتکار خوبی دارن، اگر بهشون آموزش داده شود تا به خودشون و توانایی‌هایشان اعتماد کنند، آن وقت هم برای خانواده خودشون و هم برای جامعه بهتر است. اما اینجا بعضی از زنان روستایی عادت کرده‌اند که به مردان خود وابسته باشند. فکر می‌کنند بدون شوهرشان دنیا نابود می‌شود (با خنده و شوخ‌طبعی بیان شد)" (مصاحبه شونده شماره ۶).

آخرین عامل «موانع خانوادگی» با واریانس ۸/۶۹۵ است که شامل نارضایتی پدران یا همسران جهت فعالیت‌های بیرون از خانه زنان و دختران و محدودیت در رفت و آمد درون‌شهری و بیرون‌شهری است (جدول ۴ و ۵). مصاحبه‌شونده شماره ۱ در این خصوص می‌گوید: شما ببینید من

چالش‌های زنان در جامعه روستایی شهرستان دماوند.....

الان ۲۵ سال سنم هست ولی هر وقت میخوام برم بیرون باید به برادر بزرگم جواب پس بدم، خوب این یعنی مشکل! یعنی من حق ندارم خودم برای خودم تصمیم بگیرم. انگار ما خانوم‌ها مدام باید برای ساده‌ترین و طبیعی‌ترین حق‌امون در خانواده و جامعه بجنگیم.

جدول ۵. گزاره‌ها با بیشترین امتیاز عاملی در هر کدام از عامل‌ها

| نام عامل            | متغیر                                                                   | بار عاملی |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------------|-----------|
| مواع اجتماعی-فرهنگی | باقت مردسالاری و تعصبات خانوادگی                                        | ۰/۷۷۳     |
|                     | ناامنی اجتماعی                                                          | ۰/۷۶۳     |
|                     | عدم رضایت همسر برای اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی                         | ۰/۷۱۷     |
|                     | بی‌سوادی و یا کم‌سوادی                                                  | ۰/۶۶۳     |
|                     | جدی نگرفتن کسب و کار زنان از سوی اجتماع                                 | ۰/۶۵۱     |
| مواع مالی           | دسترسی محدود به منابع مانند اعتبارات و تسهیلات                          | ۰/۷۸۱     |
|                     | حمایت ضعیف دولت از زنان روستایی در طرح‌ها                               | ۰/۷۴۵     |
|                     | اطلاعات کم در مورد چگونگی ورود زنان به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی     | ۰/۷۰۰     |
| مواع جنسیتی         | نابرابری زنان و مردان در روستا                                          | ۰/۷۷۷     |
|                     | حضور کم زنان در نهادهای روستایی                                         | ۰/۷۷۲     |
|                     | جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی به سمت مردان روستا                           | ۰/۷۵۷     |
|                     | کم‌رنگ بودن مشارکت زنان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به روستا | ۰/۶۱۸     |
| مواع شخصیتی         | عدم اعتماد به نفس و خودباوری ضعیف                                       | ۰/۷۵۹     |
|                     | ضعف در ارتباط‌گیری با مسئولان مرد                                       | ۰/۴۹۲     |
|                     | ضعف در چانه‌زنی در مقایسه با مردان                                      | ۰/۴۸۸     |
|                     | وابستگی به مردان خانواده                                                | ۰/۴۵۲     |
| مواع خانوادگی       | نارضایتی پدران یا همسران برای فعالیت‌های بیرون از خانه زنان و دختران    | ۰/۷۵۷     |
|                     | محدودیت در رفت و آمد درون شهری و برون‌شهری                              | ۰/۶۲۶     |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

زنان نقش چشمگیری را در فرایند معیشت پایدار ایفا می‌کنند. اما آنچه که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد زنان بر اساس مواع اجتماعی و فرهنگی، مالی، جنسیتی، شخصیتی و خانوادگی به حاشیه رانده شده‌اند و این امر موجب انزوای آن‌ها در مشارکت و مدیریت امور روستا و دستیابی به شاخص‌های معیشت پایدار می‌شود.

یافته‌های این مطالعه حاکی از تأثیر عمیق موانع فرهنگی-اجتماعی بر معیشت پایدار زنان روستایی است. این موانع که عمیقاً در نقش‌های جنسیتی و هنجارهای اجتماعی ریشه دارد، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌طور چشمگیری محدود می‌کند. این محدودیت‌ها نه تنها مانع رشد فردی و حرفه‌ای آن‌ها می‌شود، بلکه بر توسعه کلی جوامع روستایی نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

موانع «اجتماعی-فرهنگی» به‌عنوان نخستین و مهمترین مانع معیشت پایدار زنان روستایی شناسایی شده است. آزمون‌ها و همکاران (Azumah et al., 2022) نشان دادند که چگونه نقش‌های جنسیتی و دسترسی محدود به منابع به‌عنوان مانعی برای پذیرش شیوه‌های کشاورزی مدرن در میان زنان شمال غنا است. پرداختن به این محدودیت‌ها از طریق مداخلات هدفمند می‌تواند مشارکت زنان را در توسعه کشاورزی افزایش دهد و در نتیجه معیشت آن‌ها را بهبود بخشد. لوفتو الحسنائین و همکاران (Luftu-ul-Hasnaen et al., 2023) بر اهمیت برنامه‌های توسعه مهارت در توانمندسازی زنان روستایی تأکید داشتند. تحقیقات آن‌ها نشان داد که موانع اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی، زنان را از دسترسی به فرصت‌ها باز می‌دارد که برای پیشرفت اجتماعی-اقتصادی آن‌ها حیاتی است. همچنین آن‌ها بر نیاز به استراتژی‌های جامعی تأکید نمودند که نیازمند پشتیبانی محلی برای غلبه بر این موانع است.

بسیاری از محققان دیگر نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست یافتند. برای مثال تسلط مردان بر جامعه و فقدان نگرش خوش‌بینانه به زنان (Sangeetha, 2013; Sarami Foroushani, 2012) و شرایط فرهنگی و اجتماعی روستا (Yaghoubi Farani & Movahedi, 2012; Sarami Foroushani, 2012; Norouzi, 2013) مشکلاتی هستند که پژوهشگران مختلف در تحقیقات خود به آن اشاره نمودند.

بدیهی است در پرتو این بینش‌ها، پرداختن به موانع فرهنگی-اجتماعی نیازمند رویکردی چندوجهی است. ترویج برابری جنسیتی، افزایش فرصت‌های آموزشی و پرورش نگرش‌های حمایتی جامعه از گام‌های اساسی است. با اجرای این استراتژی‌ها، می‌توان محیطی را ایجاد کرد که در آن زنان روستایی بتوانند شکوفا شوند و کمک قابل توجهی به توسعه پایدار و تاب‌آوری جوامع خود نمایند. این رویکرد کل‌نگر نه تنها به نفع خود زنان است، بلکه ساختار کلی اجتماعی-اقتصادی مناطق روستایی را تقویت می‌کند.

دومین مانعی پیش روی زنان روستایی برای دستیابی به معیشت پایدار، «موانع مالی» است. سمکونده و همکاران (Semkunde et al., 2021) نتایج مشابهی در تحقیق خود به دست آوردند. آن‌ها معتقدند که زنان روستایی اغلب به دلیل فقدان سواد مالی برای تأمین وام و حمایت مالی با مشکل مواجهند. آن‌ها همچنین بیان کردند که زنان روستایی اغلب به آموزش و شبکه‌های تجاری دسترسی ندارند که برای توسعه اقتصادی موفق ضروری است (Semkunde et al., 2021). نتایج بسیاری از تحقیقات حاکی از آن است که زنانی که به صورت گروهی سازمان‌دهی می‌شوند، می‌توانند منابع مختلف را بسیج نمایند، دانش خود را به اشتراک بگذارند و از یکدیگر در غلبه بر موانع مالی حمایت کنند (UN Women, 2022; Semkunde et al., 2021). سندز (Sands, 2012)، یعقوبی فرانی و موحدی (Yaghobi Farani & Movahedi, 2012) و سانگتا (Sangeetha, 2013)، مشکلات مالی و اقتصادی، فقدان سرمایه و فقدان دسترسی به اعتبارات را مانعی برای زنان در جامعه روستایی معرفی کردند که همه آن‌ها تأییدی بر نتایج تحقیق حاضر است.

سومین مانع در دستیابی زنان به معیشت پایدار، «موانع جنسیتی» است. فرتو و بونیک (Fertő & Bojnec, 2024) تأکید کردند که سوگیری جنسیتی در شیوه‌ها و سیاست‌های کشاورزی اغلب به نفع مردان است که فرصت‌های زنان را برای مشارکت و رشد محدود می‌نماید. همچنین آن‌ها به جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی به سمت مردان روستایی اشاره داشتند و معتقد بودند که زنان روستایی اغلب به آموزش دسترسی نداشتند که برای توانمندسازی و مشارکت اقتصادی آن‌ها بسیار مهم است. از دیدگاه سندز (Sands, 2012) نیز تبعیض جنسیتی یکی از مشکلات زنان در جامعه روستایی است. سیاست‌هایی برای غلبه بر موانع جنسیتی مورد نیاز است که هدف آن‌ها باید تمرکز ویژه بر روی برابری جنسیتی در نهادهای تصمیم‌گیری روستایی و حمایت از اقدامات و ابتکارات جمعی زنان باشد. با پرداختن به موانع جنسیتی، می‌توان محیطی فراگیرتر ایجاد کرد که زنان روستایی را برای مشارکت کامل در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی توانمند سازد.

چهارمین و آخرین عامل مربوط به موانع «شخصیتی» و «خانوادگی» است. یعقوبی فرانی و موحدی (Yaghobi Farani & Movahedi, 2012) تأکید کردند که موانع شخصیتی و خانوادگی به طور قابل توجهی مانع از توانایی زنان برای مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینانه و اثبات خود در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی شد. آن‌ها بر اهمیت بهبود مهارت‌های ارتباطی و فراهم کردن بسترهایی برای ابراز نگرانی‌ها و نیازهای زنان تأکید کردند. همچنین آن‌ها اشاره کردند که چگونه انتظارات خانوادگی، اغلب زنان را در نقش‌های فرعی قرار داده است و فرصت‌های آن‌ها را برای رشد

شخصی و حرفه‌ای محدود ساخته است. فقدان اعتماد به نفس و نگرش خوش‌بینانه به زنان (Kumbhar, 2013; Sangeetha, 2013) و روابط و تعهدات خانوادگی که منجر به ایجاد درگیری کامل زنان در کار خانه می‌شود (Sands, 2012) نیز از جمله مواردی است که برخی از پژوهشگران در تحقیقات خود بدان اشاره نموده‌اند.

نقش‌های جنسیتی و هنجارهای فرهنگی اغلب تحرک و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی را محدود می‌کند. از سویی دیگر محدودیت در رفت و آمد می‌تواند مانع از دسترسی زنان به بازارها، مؤسسات آموزشی و خدمات بهداشتی شود. لذا بهبود زیرساخت‌ها و حمل و نقل برای تسهیل دسترسی زنان به خدمات و فرصت‌ها ضروری هستند (FAO, IFAD, UN Women and WFP, 2023). محدودیت در رفت و آمد (Sangeetha, 2013; Kumbhar, 2013)، فقدان حمایت خانوادگی و فامیلی (Sangeetha, 2013)، شرایط و ویژگی‌های خانوادگی (Yaghoubi Farani & Movahedi, 2012) از جمله مشکلاتی هستند که به‌عنوان موانع خانوادگی توسط بسیاری از محققان مطرح شدند. این موانع به‌طور قابل توجهی بر توانایی زنان روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه کیفیت معیشت و توانمندی کلی آن‌ها را کاهش می‌دهد.

برای مقابله با موانع دستیابی زنان روستایی به معیشت پایدار، اجرای سیاست‌های برابری جنسیتی در مؤسسه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیرنده روستایی و همچنین برنامه‌های آموزشی هدفمند برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی و رهبری زنان روستایی توصیه می‌شود. همچنین باید سازمان‌دهی زنان روستایی در قالب گروه‌ها و شبکه‌ها برای بسیج منابع و به اشتراک‌گذاری دانش و حمایت از همدیگر مورد تشویق قرار گیرد. به‌منظور رفع موانع مالی، ایجاد شبکه‌ها و مؤسسه‌های مالی ویژه برای زنان روستایی برای ارائه وام با بهره‌های کم و با حداقل وثیقه، ایجاد مراکز خدمات مشاوره برای ارائه اطلاعات به زنان، اتخاذ سیاست‌های مناسب توسط دولت برای زنان دارای کسب و کارهای کوچک لازم و ضروری به نظر می‌رسد. همچنین تدوین برنامه‌های روستایی (طراحی، اجرا و ارزشیابی) با دخالت و مشارکت زنان روستایی و استفاده از نظرها، انتقادات و پیشنهادهای آنان، تربیت مروجان و تسهیلگران زن متخصص و انتخاب زنان روستایی داوطلب به‌عنوان نمایندگان زنان در طرح‌های روستایی برای پررنگ نمودن حضور آن‌ها در عرصه‌های مدیریتی و اجتماعی در روستا توصیه می‌شود.

با اجرای این توصیه‌ها، می‌توان محیطی فراگیرتر و حمایت‌کننده ایجاد کرد که زنان روستایی را برای مشارکت کامل در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی توانمند سازد، تا اینکه بتوانند به توسعه پایدار و تاب‌آوری در جوامع خود کمک نمایند.

#### منابع

1. Apusigah, A.A., & Bamora, F.N. (2021). Women and community development in rural Africa: Deconstructing dominant narratives. In: Yacob-Haliso, O., Falola, T. (eds). The Palgrave Handbook of African Women's Studies. Palgrave Macmillan, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-77030-7\\_112-1](https://doi.org/10.1007/978-3-319-77030-7_112-1).
2. Azumah, F.D., Onzaberigu, N.J., & Adongo, A.A. (2023). Gender, agriculture and sustainable livelihood among rural farmers in northern Ghana. *Econ Change Restruct*, 56, 3257–3279. <https://doi.org/10.1007/s10644-022-09399-z>.
3. Brocklesby, M.A., & Fisher, E. (2003). Community development in sustainable livelihoods approaches an introduction. *Community Development Journal*, 38(3), 185-198. [In Persian]
4. Duru, J., Aro, J., & Oladipo, R.E. (2022). The effects of climate change on the livelihood of rural women: A case study of Ilorin South, Nigeria. *Bulletin of the National Research Centre*, 46(1), 1-15. <https://doi.org/10.1186/s42269-022-00834-9>.
5. FAO. (2023). The status of women in agrifood systems. Rome: FAO. Available at: <https://doi.org/10.4060/cc5343en>.
6. FAO, IFAD, UN Women and WFP. (2023). Sustainable livelihoods for rural women's economic empowerment: Experiences and ways forward from the joint program on rural women's economic empowerment. New York.
7. Fertő, I., & Bojnec, Š. (2024). Empowering women in sustainable agriculture. *Scientific Reports*, 14, 7110. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-57933-y>.
8. Hordofa, D.F., & Badore, M.A. (2024). Assessing the impact of social, demographic, and economic factors on the economic empowerment of rural women in agricultural activities: a partial proportional odds model analysis in Dire Dawa Administration, Ethiopia. *Environment, Development and Sustainability*, 26, 17205–17235. <https://doi.org/10.1007/s10668-023-03334-6>.
9. Johnson, R.B., Onwuegbuzie, A.J., & Turner, L.A. (2007). Toward a definition of mixed methods research. *J. Mix. Methods Res*, 1(2), 112–133.
10. Kumar, Sh., Sengupta, K., & Gogoi, B.J. (2023). Interventions for sustainable livelihoods: A review of evidence and knowledge gaps. *International*

- Journal of Social Economics*, 50(4), 556-574. <https://doi.org/10.1108/IJSE-06-2022-0402>.
11. Kumbhar, V. (2013). Some critical issues of women entrepreneurship in rural India. *European Academic Research*, 1(2), 185-192.
12. Li, T., Singh, R.K., Cui, L., Xu, Z., Liu, H., Fava, F., Kumar, Sh., Song, X., Tang, L., Wang, Y., Hao, Y., & Cui, X. (2023). Navigating the landscape of global sustainable livelihood research: Past insights and future trajectory. *Environmental Science and Pollution Research*, 30, 103291–103312. <https://doi.org/10.1007/s11356-023-29567-6>.
13. Luftu-ul-Hasnaen, S., Parvez, Z., & Syed, K. (2023). Empowering rural women through skill development: A pathway to sustainable livelihoods. *Qlantic Journal of Social Sciences*, 4(4), 306-318. <https://doi.org/10.55737/qjss.613783673>.
14. Niedbalski, J., & Ślęzak, I. (2016). Computer-assisted qualitative data analysis software. Using the NVivo and Atlas.ti in the research projects based on the methodology of grounded theory. In *Computer Supported Qualitative Research* (pp. 85-94). Springer, Cham.
15. Norouzi, M. (2013). Effective constructs on sustainable rural livelihood from the perspective of farmers in Kermanshah Province. Master's Thesis, Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University. [In Persian]
16. Quisumbing, A., Cole, S., Elias, M., Faas, S., Galiè, A., Malapit, H., Meinzen-Dick, R., Myers, E., Seymour, G., & Twyman, J. (2023). Measuring women's empowerment in agriculture: Innovations and evidence. *Glob Food Sec*, 38, 100707. <https://doi.org/10.1016/j.gfs.2023.100707>.
17. Sands, F. (2012). Transforming Ugandan women's livelihoods through entrepreneurship. Master thesis submitted to obtain the degree of Master of Science in cultures and development studies, Katholieke University Leuven. Available at; <http://www.iceida.is/media/pdf/Transforming-Ugandan-Women%C2%B4s-Livelihoods-Through-Entrepreneurship-by-Frank-Sands.pdf> (Retrieved at: 20 Feb 2018).
18. Sangeetha, M. (2013). Microfinance and women's empowerment: A contemporary issues and challenges. *International Journal of Innovative Research and Studies*, 2(5), 590-606.
19. Sarami Foroushani, M. (2012). Investigating the impact of employment projects for rural women on the promotion of sustainable livelihoods of households covered in the central province. Master's Thesis, Agricultural Extension and Education, Tarbiat Modares University. [In Persian]
20. Semkunde, M.A., Elly, T., Charles, G., Gaddefors, J., & Chiwona-Karlton, L., (2021). Rural entrepreneurship and the context: Navigating contextual

- barriers through women's groups. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 14(2), 213-234. <https://doi.org/10.1108/IJGE-01-2021-0013>.
21. Serrat, O. (2017). The sustainable livelihoods approach. In: Knowledge solutions. Springer, Singapore. [https://doi.org/10.1007/978-981-10-0983-9\\_5](https://doi.org/10.1007/978-981-10-0983-9_5).
  22. Shahroudi, A., Chizari, M., & Tavasoli, B. (2006). The impact of rural women's indigenous knowledge on sustainable agricultural development. *Jahad*, 271, 138-150. [In Persian]
  23. Tesfaye, Y., Roos, A., Campbell, B.M. & Bohlin, F. (2011). Livelihood strategies and the role of forest income in participatory-managed forests of Dodola area in the bale highlands, southern Ethiopia. *Forest Policy and Economics*, 13, 258-265.
  24. UN Women. (2022). Three challenges for rural women amid a cost-of-living crisis. Available at: <https://www.unwomen.org/en/news-stories/feature-story/2022/10/three-challenges-for-rural-women-amid-a-cost-of-living-crisis>.
  25. Vosanka, I.P., Tari, B., Musa, H.Y., & Hammangabdo, J.J. (2010). Analysis of the socio-economic impact and sustainability of livelihood diversity strategies of rural women in Zing local government area of Taraba State, Nigeria. *Journal of Agriculture and Veterinary Sciences*, 2, 17-24.
  26. World Bank. (2007). Empowerment in practice from analysis to implementation. Washington, DC: World Bank.
  27. Yaghoubi Farani, A., & Movahedi, R. (2012). Investigation and analysis of barriers and limitations to the development of rural women's entrepreneurship in Iran. *Work and Society*, 142, 38-50. [In Persian]
  28. Yong, A.G., & Pearce, S. (2013). A beginner's guide to factor analysis: Focusing on exploratory factor analysis. *Tutorials in Quantitative Methods for Psychology*, 9(2), 79-94.

